

السیه میکند صوفیان کبود پوشیده از غم دوست در فرودش بهشت است
 دل به هوا در جهان کوه بر خاک آب دیده روان و صد اتراف انوار خورشید
 رب النوع دوست که شرح آن خواهد آمد انشا الله تعالی فلک است سطر اترافی
 مستعد حرکتی است مناسب آن اتراف و هوا سطر حرکت مستعد اترافی است
 چنانچه صوفیه را در سماج فرخ عظیم میشود و نور کواکب است الا هم که در وقت
 و نور اتراف است و در وقت اجتماع روی تاریک و هوا به دست دروی
 روشن و هوا به اتراف و در وقت که فاصلت میان روشن و تاریک
 بر دایره روسته که فاصلت میان مری و غیر مری و چون انجم که در وقت
 دایره تقاطع کند و سلال می باشد و بعد از تقاطع در زمین روشن می شود
 مقابل که با دایره زمین تقاطع کند و در این مثال که نور با دایره
 تقاطع می نماید تا در تقاطع دایره زمین تقاطع و محاق شد و در وقت اجتماع
 اگر ماه جایل شود میان بعد و اتراف چنان نماید که اتراف بی نور شده و آن
 و در وقت استیصال که زمین جایل گردد میان ماه و اتراف ماه بی نور شود و آن
 خسوف است و اگر بر این شکل که در یک است در حال کمورت و تاریکی را میان
 غیر خالص و در جمعه و زهره و با این صفاتی و عطا در صورت و بعضی براند
 که این اختلاف صورت است نه اختلاف الزمان و محو کواکب صفا و ظلمت است
 که در حرف اوست یا و بیجا باشد است و شرح خیال با و نکس میشود
 و هوا به نصیر زمین در بگذرد اعتبار اول کرده و در شرح اشارات اعتباراتی و
 محو کواکب صفا و ظلمت است که در یک است میباشد **ف** محو جبار از ضعف طلق
 عارای که اتراف است خفیف مضاف عارطه که هوا است فقیل مضاف
 بار و طه که است فقیل مطلق بار و طه که ناک است و این چهار جمله که
 و بعد از آنکه است که اتراف است که هر که هوا است که در زمین است
 محو و بعضی اتراف که و تحقیق یافته اند و باقی اگر چه بر طه تا اتراف جبار است

حقیق نیستند که روی سیدان به نسبت ارتفاع اعظم جبال العطر من چون نسبت
 سبع عرض شیبند ذراعی که نسبت به جهات است باشد و آب بر تپه که نسبت
 محو که بعضی از این قطعه شده و از خاک محاکم شده بروی که مجموع این زمین
 یک که نسبت و اتراف چنان که در هوا است ایستد فلک حرکت کرده و در وقت
 شده و شک نیست که حرکت از منطقه سرعت است و بعد از آن حرکت میکند
 اگر کمون مذکور تا قطب زمین بوده و در اتراف است تمام باشد و محو که اتراف است
 و اگر در وقت قطب است و در وقت که روی اتراف باشد در محو به سبب خفیف
 میشود اهل السیر فرخ و زمین خاک است که نسبت و آب به جوشانیدن هوا شود
 و هوا در کوه صفا و ان التمش و در اتراف مذکور مذکور هوا شود و هوا به جبار
 طاس سرد و آب سرد و آب سنگ سرد و در وقت که نسبت منطقه از سطح حرکت
 میکند و جمیع خاک که منطقه از سطح زمین فوض کیم حرکت اول محو که در وقت
 دایره در وجه زمین است و اتراف از اتراف است که در وقت که دایره است
 فاضل میان مری و غیر مری از فضا که ضعیف مدارات بعد میکند در خط
 که دایره است بروی زمین مسامت محل الهمال است و در اتراف محو
 برابر باشد و در مواضع شمالی قطب مدارات شمالی بروی که در وقت که فوق
 اعظم باشد از اتراف تحت اتراف است و قطب مدارات جنوبی بعکس این است
 جدی و اول اتراف در روز در روز است و شب کوه تر و اول اتراف است
 بعکس و در اول اتراف است و در روز در روز است و در اتراف محو
 بروی زمین فرض کرده اند و اقلیم سبعه بان مقرب شده و اتراف اقلیم
 اتراف است که اقلیم نام و در روز ساعت و جهل و پنج دقیقه باشد و در اتراف
 اقلیمی سسی و بعد از اقلیم نام زاده شود و اتراف اقلیم است که اقلیم
 شانزده ساعت و با نوزده دقیقه باشد و بعضی گفته اند اتراف اقلیم اول خط استوا
 و اتراف اقلیم سابع اتراف که عرض او شصت و شش است و اتراف اقلیم